

علم أصول الفقه

۱۰

۹۲-۱۱-۲ روش شناسی

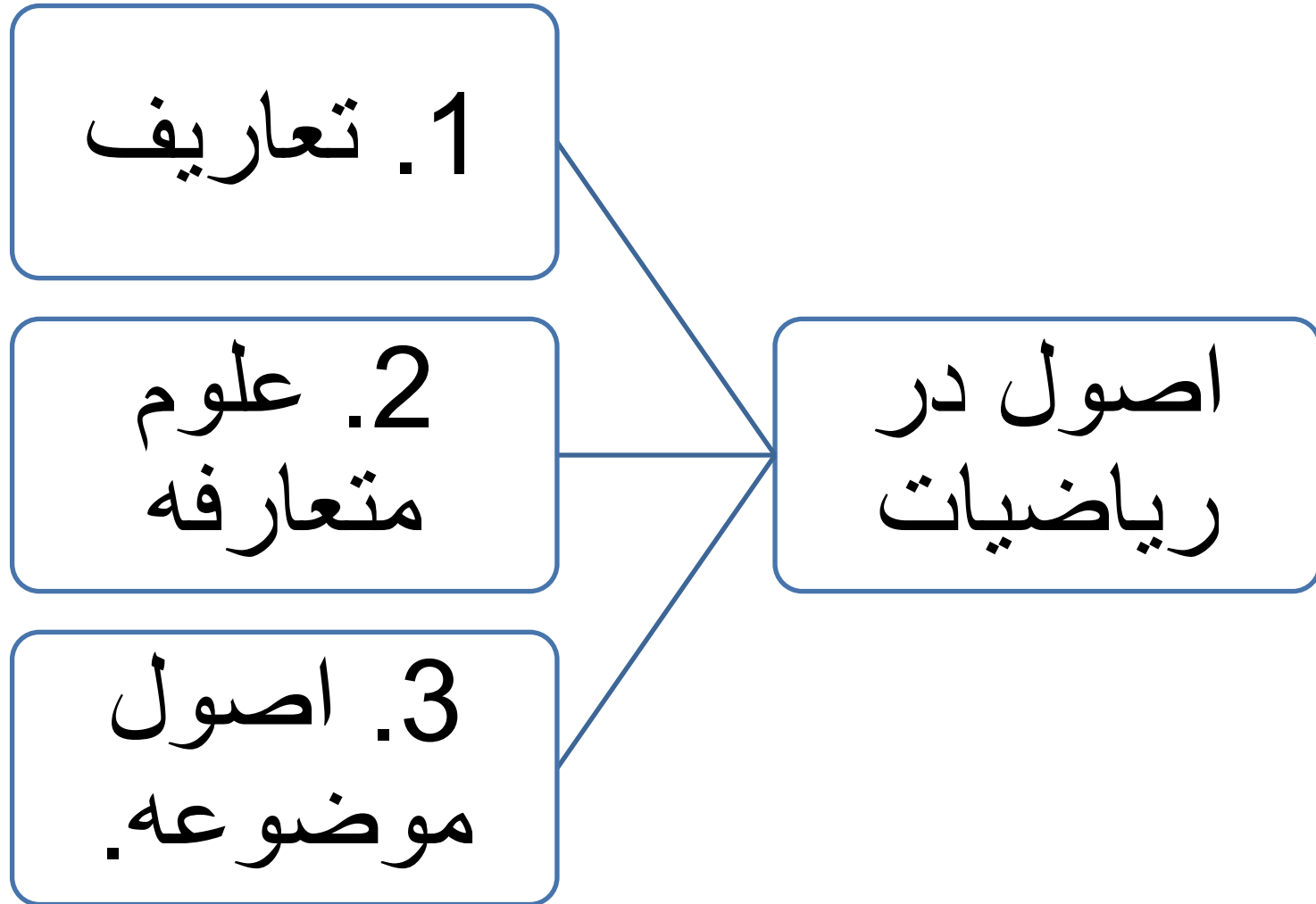
دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

بین منطق و
متدلوژی چه نسبتی
برقرار است؟

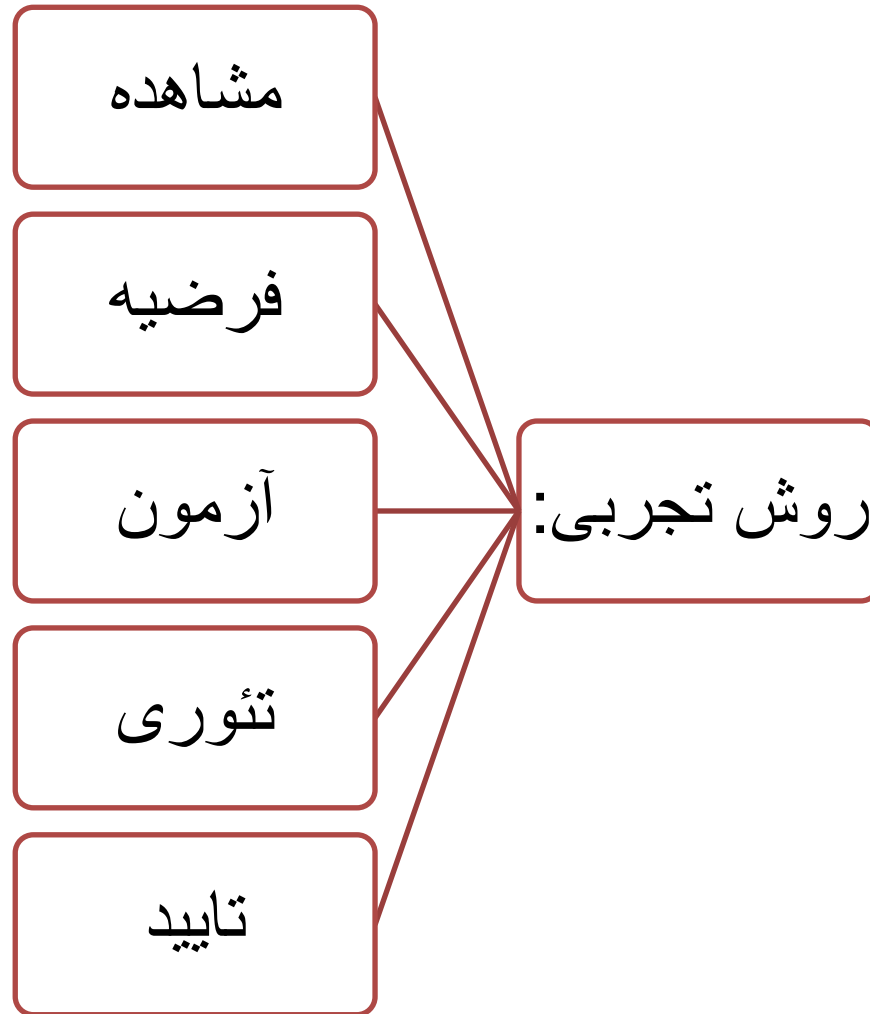
منطق از فکر بحث
می‌کند و متدلوژی از
متد و روش که همان
مسیر فکر است.

منطق و متدلوژی،
دو نگاه هستند به
یک چیز.

- آیا روش جامعی که همه‌ی علوم را در برگیرد، وجود دارد؟
- روش ریاضیات عبارت است از وضع چند اصل در آغاز، سپس استنتاج یک سلسله قضایا از این اصول و بعد ادامه‌ی این مسیر از طریق استنتاج قضایای دیگر مبتنی بر این اصول.



روش در علوم طبیعی



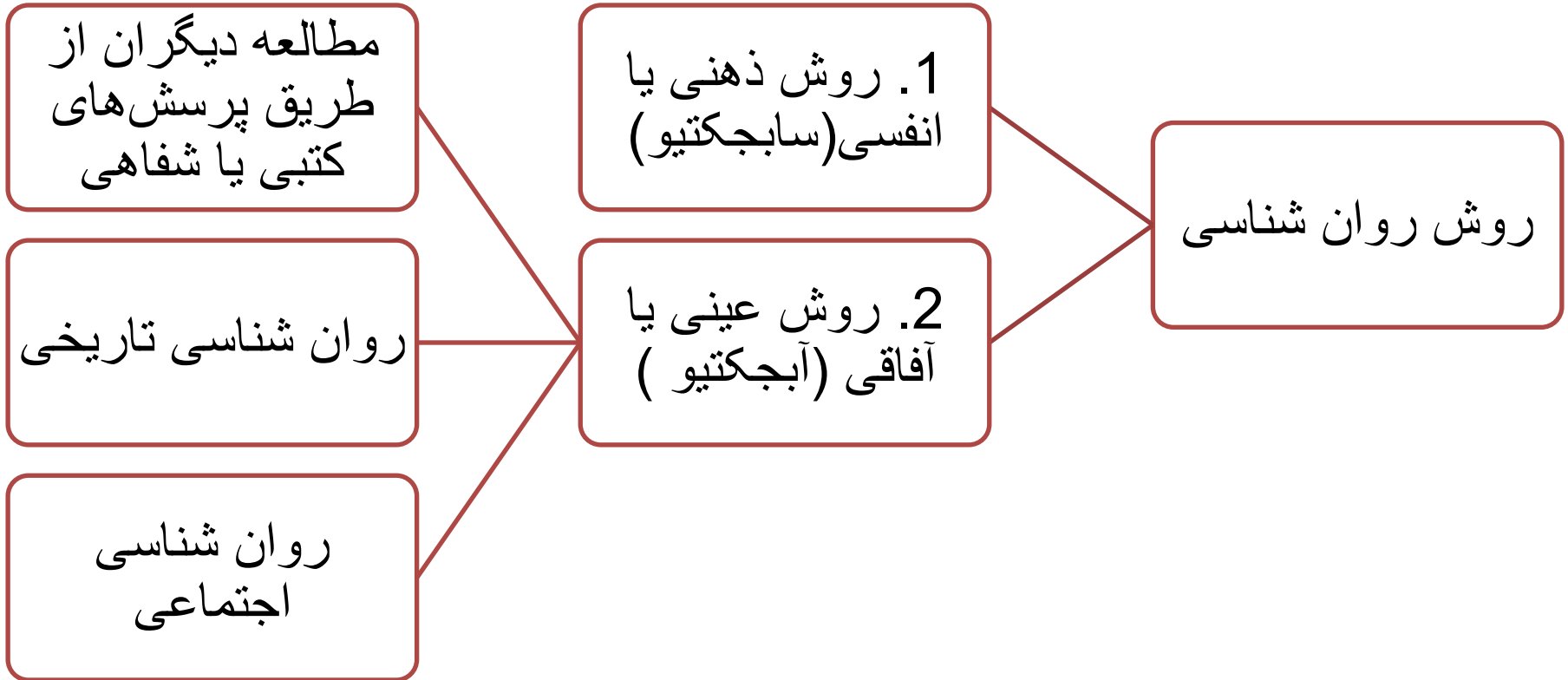
روش در روان شناسی

1. روش ذهنی یا
انفسی (ساجکتیو)

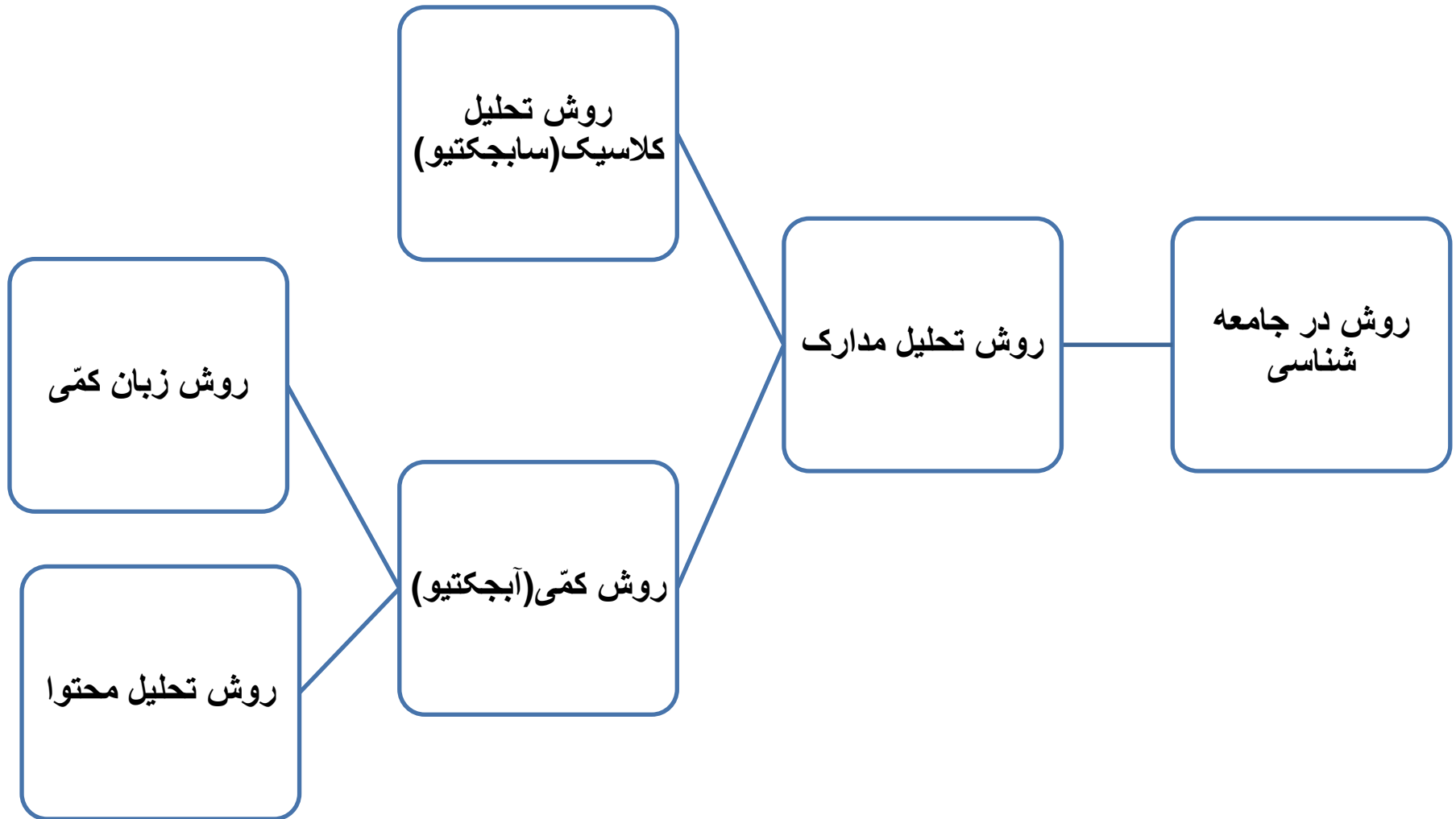
2. روش عینی یا
آفاقی (آبجکتیو)

روش روان
شناسی

روش در روان شناسی



روش در جامعه شناسی



انتقاد تاریخی

روش در علم
تاریخ

هرمنوتیک و روش

روش نسبی
گرا در
علوم
انسانی

روش
هرمنوتیکی
در علوم
انسانی

هرمنوتیک
روشی
برای علوم
انسانی

هرمنوتیک
دیلتای

هرمنوتیک
و روش

دو نکته

- دو نکته
- تا کنون به صورت مجمل با روش‌های علوم مختلف آشنا شدیم.
- اینک باید به دو نکته که به عنوان نتیجه بیان می‌نماییم، توجه کنیم:
- حضور منطق در تمامی دانش‌ها
- نقش روش شناسی در دانش‌ها

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقہ

- در روش شناسی علم اصول فقہ همانند روش شناسی سایر علوم می خواهیم بدانیم چگونه یک عالم اصولی مقدمات فکر خود را سامان می دهد و چگونه از این مقدمات استفاده می کند؟ یعنی آنها را در چه قالب هایی می ریزد؟

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- در بررسی‌های روش شناسانه ابتدا **نگرش توصیفی** داریم و در انتهای یک بحث روش شناسانه هر چند که خود آن بحث را به شیوه‌ی توصیفی پی می‌گیریم، در واقع به نوعی **دستور** دست پیدا می‌کنیم.

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- به همین دلیل روش شناسی به عنوان یک دانش دستوری تلقی می‌شود، در حالی که در خود روش شناسی ابتداءً به صدور دستورات دست نمی‌زنیم، بلکه به یک مطالعه‌ی توصیفی می‌پردازیم.

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- پس در درجه اول تمام همّ ما این است که دقیقاً بفهمیم اصولی‌ها چه می‌کنند.
- فهم این مطلب شاید مهم‌ترین بخش در این تحلیل باشد و مسلماً باقی بحث‌ها متوقف بر آن است.
- چرا که اگر چنین کنیم و ابتداءً به طرح و عرضه‌ی راه‌های نو پردازیم، چه بسا راه‌حلی‌هایی را که به عنوان راه‌حل نو و جدید عرضه می‌نماییم، همان باشد که اصولی‌ها از آنها بهره گرفته‌اند.

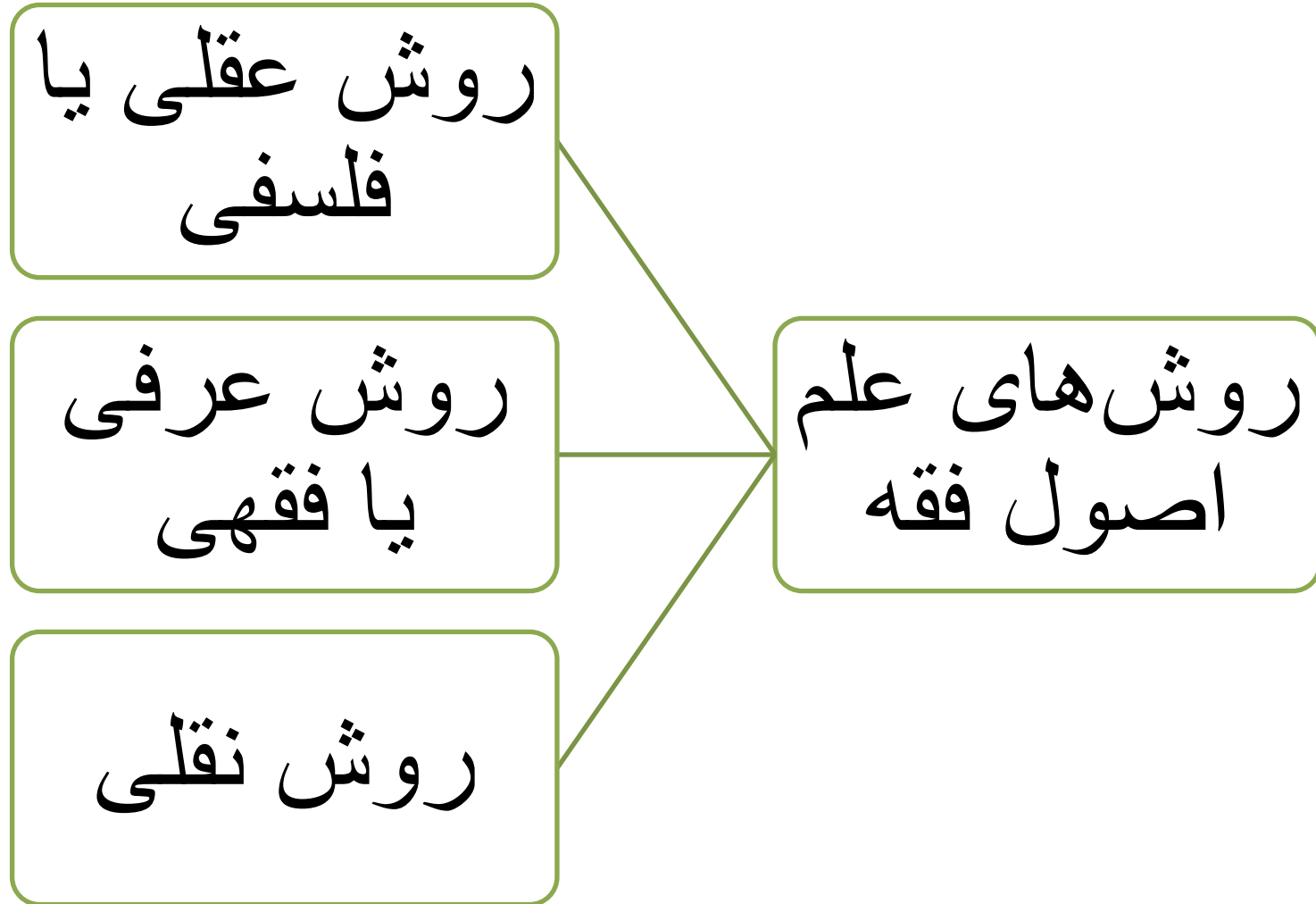
بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقہ

- اما چه روش‌هایی در علم اصول فقہ به کار می‌رود؟
- اصول از مجموعه مسایل گوناگونی تشکیل شده است. به همین دلیل اصولی‌ها با روش‌های گوناگونی به بحث می‌پردازند.
- در واقع مجموعه‌ی علم اصول روش واحدی برای پاسخ‌گویی به سؤالات ندارد.

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه

- حتی در یک مسأله گاهی روش‌هایی که برای پاسخ‌گویی به کار می‌رود، متفاوت است.
- یعنی یک اصولی از یک روش استفاده می‌کند و اصولی دیگر از روش دیگر و این به دلیل تفاوت مبانی‌ای است که اصولی‌ها دارند.

بخش دوم: روش شناسی علم اصول فقه



روش عقلی یا فلسفی

- فصل اول روش عقلی یا روش فلسفی
- برخی از مسایل در علم اصول با روش عقلی مورد بحث قرار می‌گیرد. مقصود از روش عقلی همان روشی است که در فلسفه و منطق به کار می‌رود.

روش عقلی یا فلسفی

- تمام بحث‌های غیر مستقلات عقلیه - مثل بحث ضد، بحث اجتماع امر و نهی، بحث مقدمه‌ی واجب - و همچنین برخی از اصول عملیه مثل براءت عقلی، احتیاط (که اصولی‌ها آن را می‌پذیرند و از آن به احتیاط عقلی تعبیر می‌کنند) و تخییر (البته تخییر در دوران بین دو محصور) همه با روش عقلی مورد بحث و مطالعه قرار می‌گیرند.

روش عقلی یا فلسفی

- گاهی در برخی مسایل دیگر نیز، بعضی از اصولی‌ها از روش عقلی استفاده می‌کنند و برخی دیگر در همان مسایل به روش‌های دیگر تمسک می‌نمایند.
- مثلاً در بحث استعمال لفظ در پیش از یک معنا، برخی مثل صاحب کفایه از روش عقلی استفاده می‌کنند و برخی دیگر مثل سید صاحب عروه یا شهید صدر از روش دیگری هم بهره گرفته‌اند که ما از آنها به روش عرفی تعبیر می‌کنیم.

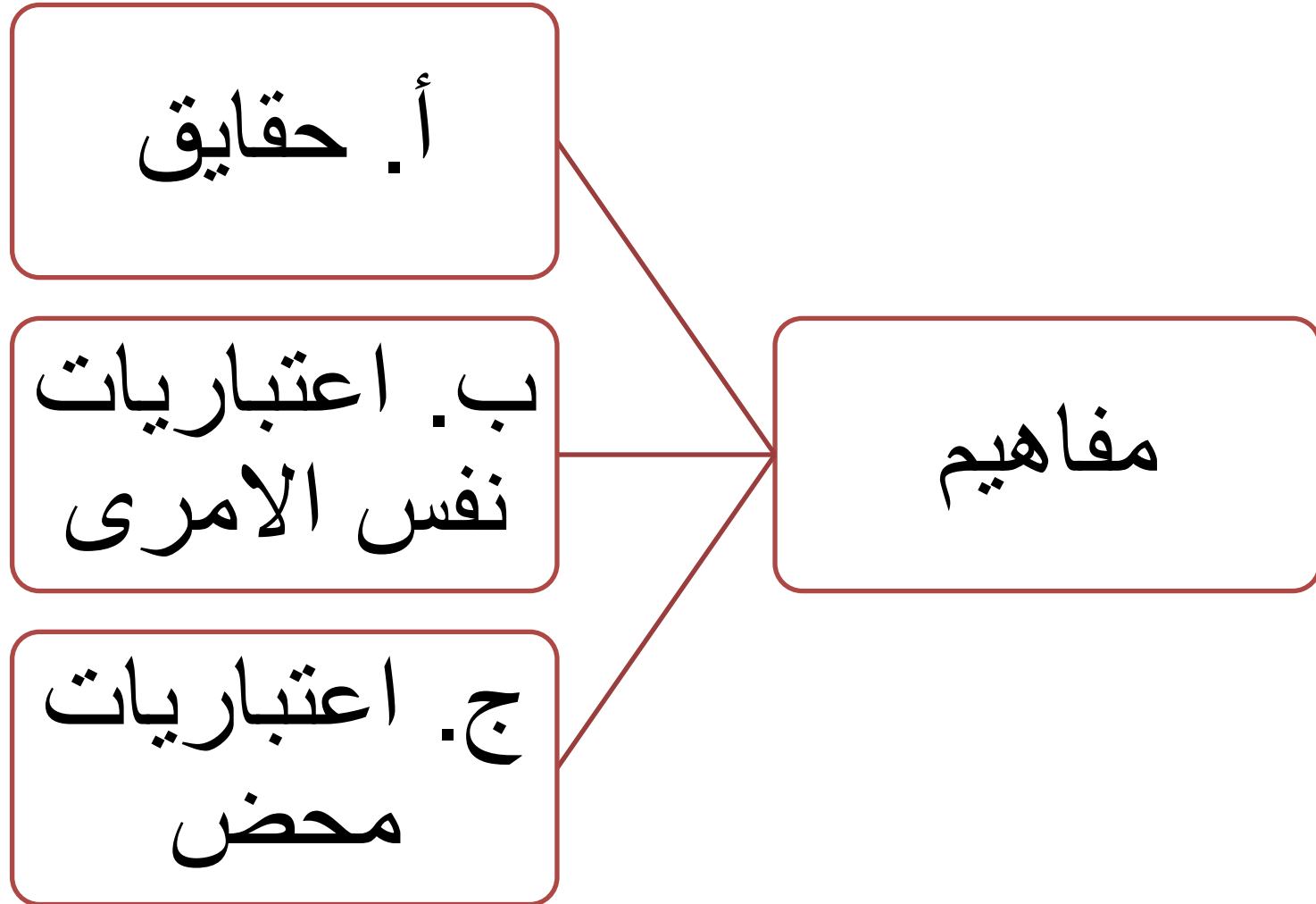
روش عقلی یا فلسفی

- گفتیم روش عقلی در اینجا همان روشی است که فیلسوف و منطقی با آن به بحث می‌پردازند.
- اما آیا اصلاً کاربرد چنین روشی در اصول مجال دارد؟ آیا ما می‌توانیم از روش‌های عقلی که در منطق و فلسفه به کار می‌رود، در علم اصول هم استفاده کنیم؟

روش عقلی یا فلسفی

- در علم اصول از مطالبی بحث می‌کنیم که همه‌ی آنها به نحوی از انحا از سنخ اعتباریات است.
- آیا ما می‌توانیم از روش‌های عقلی برای بررسی مسائلی که در حوزه‌ی اعتباریات هستند، استفاده کنیم؟
- آیا شیوه‌های استدلالی که در فلسفه و منطق مطرح می‌شوند و در مورد حقایق هستند، قابل تطبیق بر امور اعتباری نیز هستند؟

روش عقلی یا فلسفی



روش عقلی یا فلسفی

- حال با توجه به این مطالب دوباره به سؤال خود باز می‌گردیم: آیا اعتباری بودن این امور با توجه به آن جمله‌ی فلسفی که «احکام حقایق در اعتباریات جاری نیست»، باعث می‌شود که اعتباریات به طور کلی، دنیای مستقلی از حقایق داشته باشند و احکام حاکم بر اعتباریات و به تبع روش‌های موجود در ساحت اعتباریات با احکام و روش‌هایی که در حوزه‌ی حقایق وجود دارد، کاملاً متفاوت و متباین باشد؟

روش عقلی یا فلسفی

- اعتباری اگرچه اعتباری است، اما خود آن از یک جهت امری حقیقی است.

روش عقلی یا فلسفی

- با این وصف اگر در واقع و حقیقت، اجتماع دو نقیض محال است و وجود و عدم قابل جمع نیستند، همین حکم در اعتباریات هم ثابت است. در اینجا هم با همان شرایطی که در تناقض ذکر شده، وجود و عدم قابل جمع نیستند. یک اعتباری نمی‌تواند هم باشد و هم از همان جهت که هست، نباشد؛ یا در همان جایی که هست، نباشد.

روش عقلی یا فلسفی

- بنابراین همیشه در بحث اعتباریات باید جهت محفوظ بماند:
اعتباری از آن جهت که حقیقت است، احکام حقیقت را دارد و از آن جهت که اعتباری است، احکام حقیقت را ندارد.

روش عقلی یا فلسفی

- اعتباریات نفس الامری به لحاظ آن نفس الامرشان حقیقی اند.

روش عقلی یا فلسفی

- بنابراین اعتباریات نفس الامری از دو جهت تحت احکام حقایق قرار می گیرند.
- یکی از این جهت که مطلق اعتبار - چه اعتباری محض و چه نفس الامری - یک حقیقت و یک امر واقعی و یک امر محقق در ذهن است
- و یکی از این جهت که ریشه‌ی اعتباریات نفس الامری، واقعیت و نفس الامر دارد. اعتباریات نفس الامری هم به لحاظ جهت اول و هم به لحاظ جهت دوم تابع احکام واقعی می شوند.

روش عقلی یا فلسفی

- بخشی از قواعد عقلی و فلسفی اختصاص به حقایق ندارد.

روش عقلی یا فلسفی

- حال با توجه به این که ما در بحث‌های اصولی ابتدا به توصیف می‌پردازیم و بعد در نهایت به یک سری دستورات دست می‌یابیم، می‌توانیم بگوییم: در یک بررسی توصیفی معلوم می‌گردد اصولی‌ها در برخی مسایل اصول از روش عقلی استفاده می‌کنند و فی الجمله می‌توان آن روش را توضیح داد.

روش عقلی یا فلسفی

- اما یک سری دستورات هم در پی این توصیف به دست می‌آید و آن این که اگر از این روش استفاده کنیم، یا باید از آن جهت باشد که اعتباریات حقیقت دارند، یا باید از آن جهت باشد که اعتباریات ریشه در حقیقت دارند و یا از آن جهت باشد که اعتباریات با حقایق در احکام مشترکند.

روش عقلی یا فلسفی

- اگر خارج از این سه دایره، از روش عقلی یا فلسفی برای مسایل اعتباری استفاده کنیم، اشتباه کرده‌ایم. پس اگر در اعتباری از آن جهت که اعتباری است، حکمی یا قاعده‌ای یا روشی را به کار گیریم که آن حکم یا قاعده یا روش اختصاص به حقایق دارد و در اعتباریات جاری نیست، به بی-راهه رفته‌ایم.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- اصولی‌ها در بحث‌های اصولی که روش آنها روش عقلی است، عمدتاً از تحلیل استفاده می‌کنند. یعنی هنگام مواجهه با هر مسأله و سؤال اصولی، خود آن مسأله و خود آن سؤال را تحلیل می‌کنند و با تحلیل آن به جواب دست می‌یابند.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- فرضاً برای بررسی صحت این بحث که امر به شیء مقتضی نهی از ضد است، به تحلیل خودِ بحث می‌پردازند:
- ابتدا مقصود خود از ضد را شرح می‌کنند. ضد یک شیء در اصول به دو معنا به کار می‌رود:
 - ۱. امری که با خود آن شیء قابل جمع نیست
 - ۲. عدم آن امر.
- پس ضد در اصطلاح اصولی هم ضد به اصطلاح فلسفی را در برمی‌گیرد و هم نقیض را. به عبارت دیگر ضد در اصطلاح اصولی عام است که شامل ضد خاص و نقیض می‌شود.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- اصولی همچنین «غیر قابل جمع» را در این بحث توضیح می‌دهد. مراد او وقتی می‌گوید: «نماز خواندن و تطهیر مسجد مثلاً، ضد هم هستند و با هم جمع نمی‌شوند»، به اعتبار تحقق خارجی آنها است.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- شارع مجموعه‌ای از اعمال و اذکار را به اسم «نماز» اعتبار کرده که می‌توانست به گونه‌ای دیگر اعتبار نماید. اما همین مجموعه در خارج، امری حقیقی است که با بعضی افعال دیگر قابل جمع نیست. بر مکلف واجب است این مجموعه را در خارج تحقق بخشد. در هنگام تحقق این تکلیف، مکلف دیگر نمی‌تواند به افعالی مثل تطهیر مسجد پردازد. پس فعل نماز در خارج به عنوان یک امر حقیقی - نه به عنوان اعتبار شارع - مجموعه‌ای از افعال و اذکار است که با برخی افعال دیگر جمع نمی‌شود.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- سپس نوبت به اقتضا می‌رسد. اقتضا در گزاره‌ی «امر به شیء مقتضی نهی از ضد است» به چه معنا است؟
- آیا مقصود این است که تکلیف مکلف به نماز مثلاً، یک لازمه‌ی عقلی دارد و آن این است که در ظرف نماز خواندن نمی‌تواند کاری که با نماز منافات دارد (مثل تطهیر مسجد، خوابیدن و...) انجام دهد؟
- یا این که مقصود این است که شارع در کنار اعتبار امر به نماز، اعتبار دیگری هم قرار داده و آن نهی از ضد نماز است که با خود نماز منافات دارد؟

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- بعد از این بحث، اصولی به جواب این سؤال می‌پردازد که آیا اعتبار این نهی در کنار آن امر فایده‌ای دارد؟
- طرح این سؤال از آن رو است که با توجه به مباحث کلامی، حکمت شارع، امری مفروض و مسلم است.
- شارع حکیم مطلق است و بدون حکمت اعتبار نمی‌کند یا به عبارت دیگر صدور فعل غیر حکیمانه از وی محال است.
- پس اگر او اعتباری در کنار اعتبار دیگر قرار می‌دهد، حتماً حکمتی و فایده‌ای در آن نهفته است.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- بدین ترتیب اصولی مقدمات را می‌یابد و کنار هم قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- در واقع او سعی می‌کند گزاره‌ها و قضایا را به قضایای قبلی آنها تحلیل نماید و بعد این قضایای مقدماتی را به قضایای کوچک‌تر و یا مفاهیمی که در آنها است، تحلیل کند و سپس با جست‌وجو در آن قضایا و مفاهیم به نتیجه برسد.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- به همین دلیل در استدلال‌های اصولی حالتی معکوس وجود دارد و اصولی مقدمات استدلال را به صورت معکوس کشف می‌کند.
- او به جای این که مقدمات را بچیند و به نتیجه برسد، از نتیجه شروع می‌کند و به سمت مقدمات می‌رود.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- بعضی اوقات اصولی‌ها در تحلیل، همّ زیادی را در تنقیح محل نزاع و توضیح مسأله صرف می‌کنند و عناصر را به گونه‌ای جدا می‌نمایند که وقتی به جواب می‌رسند، گویا هیچ دلیلی اقامه نکرده و به واضح و مبرهن بودن آنها اکتفا نموده‌اند.
- زیرا در واقع آنها در همان تحلیل محل نزاع، مقدمات لازم برای برهان را ذکر کرده‌اند و وقتی به آنها رسیده‌اند، مسأله واضح و مبرهن شده است و به نظر می‌رسد مسأله بدیهی است و اصلاً نیازی به استدلال ندارد.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- آنچه اصولی در انتهای تحلیل خویش به آن می‌رسد یا سازگاری بین نتیجه و مقدمات است که به تبع نتیجه اثبات می‌گردد و یا ناسازگاری بین آنها است که به دنبال آن نتیجه ابطال می‌شود.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- به طور مثال در بحث ضد وقتی اصولی درمی یابد که فرض اعتبار یک نهی در ازای آن امر، حکمتی ندارد، نتیجه می گیرد که امر به شیء، مقتضی نهی از ضد نیست.
- حال آن که اگر بتواند ثابت نماید که حکمت اعتبار نهی وجود دارد، به دنباله ی بحث می پردازد و در صدد پاسخ به این سؤال برمی آید که آیا وجود چنین نهی ای ضرورت دارد؟ و....

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- در ابتدای این بحث گفتیم: همه‌ی اصولی‌ها در بعضی مسایل از روش عقلی استفاده کرده‌اند. اما مسایل دیگری نیز وجود دارد که فقط بعضی از اصولی‌ها با استفاده از روش عقلی به بررسی آنها پرداخته‌اند و برخی دیگر در همان مسایل از روش‌های دیگری استفاده نموده‌اند. ما حتی در همین موارد نیز که بعضی از اصولی‌ها از روش عقلی استفاده کرده‌اند، باز شاهد روش تحلیل هستیم.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- مثلاً در بحث استعمال لفظ در بیش از یک معنا، برخی مثل مرحوم آخوند که به روش عقلی تمسک کرده‌اند، با استفاده از روش تحلیل ابتدا به معنای «استعمال لفظ در بیش از یک معنا» پرداخته و گفته‌اند: مقصود از استعمال لفظ در بیش از یک معنا، اراده‌ی لفظ در دو (یا چند) معنا است و این بدان معنا است که لفظ آینه‌ی دو (یا چند) معنا باشد. مراد از آینه‌ی معنا بودن نیز این است که وقتی به لفظ نگاه می‌کنیم، معنا را در آن بینیم به گونه‌ای که معنا تمام سطح آینه (لفظ) را پر کرده باشد. سپس گفته‌اند اگر قرار باشد یک لفظ دو (یا چند) معنای متفاوت را به طور کامل حکایت کند، معنایش این است که یک لفظ، دو (یا چند) تا باشد.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- و همان طور که در کلام مرحوم آخوند آمده، کسی که با یک لفظ حداقل دو معنا را اراده کند، مانند کسی می ماند که چشم هایش مشکل دارد و یک چیز را دو تا می بیند. او در واقع لفظ را دو تا دیده، در نتیجه دو معنا را اراده کرده است.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- بدین ترتیب حاصل این تحلیل که در آن اصولی به عقب برمی‌گردد و ابتدا محل نزاع را و سپس مقدمات را تحلیل می‌کند، استحالی است. استعمال لفظ در بیش از یک معنا است. یعنی متکلم نمی‌تواند با یک لفظ، دو یا چند معنا را اراده کند.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- . اما حکیمان نسبی مثل عقلا گاهی کار حکیمانه انجام می دهند و گاهی کارشان بدون حکمت صورت می گیرد.

چگونگی عملکرد اصولی در روش عقلی یا فلسفی

- این اتفاقی است که در فلسفه هم رخ می‌دهد. انسان در آنجا هم خیلی وقت‌ها با استفاده از این روش تحلیل، احساس می‌کند اصلاً استدلالی در کار نیست و بحث به جایی می‌رسد که گویا نتیجه بدیهی است. البته همان‌طور که خود فیلسوفان هم گفته‌اند، تصور در فلسفه مهم است. اگر قضایای فلسفی تصور شوند، تصدیق آنها مشکلی ندارد.

شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ
- در بین علمای علم اصول، تعداد کسانی که بحث روش را در اصول مطرح کرده‌اند، زیاد نیست.
- آنها هم که به این بحث پرداخته‌اند، فقط در بعضی موارد اشاراتی به آن داشته‌اند و هیچ یک به صورت جامع آن را بیان نکرده‌اند.
- به بیان دیگر مواردی که اصولی‌ها به مسایل مربوط به روش‌ها پرداخته‌اند، بسیار نادر است.

شہید صدر و استفادہ از روش عقلی در مباحث الفاظ

- شہید صدر در زمرہی ہمین گروہی قرار دارد کہ بہ بحث روش پرداختہ اند.

شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- وی در مباحث الفاظ بحثی در مورد روش مطرح می‌کند که فقط اختصاص به همین بخش دارد و مربوط به سایر بخش‌های علم اصول نیست.
- آنچه شهید در آنجا مطرح نموده، روش‌هایی است که در کل مباحث الفاظ وجود دارد.
- مطالبی که در ذیل از نظرتان می‌گذرد، حاصل بیان شهید صدر در این زمینه است و هدف اصلی ما بیان نمونه‌هایی از استفاده از روش عقلی در این مباحث است که به بحث فعلی ما نیز مرتبط است.

شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- شهید صدر می گوید:
- در مباحث الفاظ در علم اصول دو رویکرد وجود دارد:
- ۱. رویکرد تفسیری
- ۲. رویکرد کشفی

شہید صدر و استفادہ از روش عقلی در مباحث الفاظ

- در رویکرد **تفسیری**، اصولی می‌خواهد وجود یک پدیده‌ی لغوی را تفسیر کند.
- به طور مثال در بحث ظهور امر در وجوب بیش از آن که این مطرح باشد که آیا امر ظاہر در وجوب است یا نه، این مطرح است که چرا امر ظاہر در وجوب است. یعنی ظهور امر در وجوب، جزو مسلمات تلقی می‌شود و اصولی به دنبال این است که به چه دلیل امر چنین ظهوری دارد. و همان طور که می‌دانیم در تفسیر ظهور صیغہ‌ی امر در وجوب مسالک مختلفی وجود دارد. بنابراین هدف رویکرد تفسیری، ارایہ‌ی تفسیری از یک پدیده لغوی است.

شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- در رویکرد **کشفی**، اصولی در پی کشف معنای یک کلمه یا یک هیئت است.
- به طور مثال وقتی می‌خواهد بداند که آیا الفاظ عبادات برای صحیح وضع شده‌اند یا برای اعم از صحیح و فاسد، از این رویکرد بهره می‌گیرد.

شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- شهید صدر برای رویکرد کشفی دو روش را مطرح می‌کند:
- أ. روش تبادل
- ب. روش برهان.

شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- روش **تبادر** فعلاً محل بحث ما نیست. آنچه در اینجا می‌خواهیم توضیح دهیم، روش **برهان** است.
- **برهان** کامل‌ترین شکل یک استدلال عقلی است. بنابراین معنای به‌کارگیری برهان در کشف معنای الفاظ، بهره‌گیری از روش عقلی برای کشف معانی الفاظ است.

شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- اما ابتداءً استفاده از روش عقلی در کشف معنای لغوی غریب به نظر می‌رسد. ما چگونه می‌توانیم با برهان در حوزه‌ی معانی الفاظ قضاوتی داشته باشیم؟

شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- وضع الفاظ برای معانی، یک قرارداد و اعتبار است. آیا برای این اعتبار ضرورتی وجود دارد؟ مثلاً آیا ضرورت دارد لفظ آب را برای آن مایع به خصوص و لفظ درخت را برای آن شیء به خصوص وضع کنیم و نمی‌توانیم برای همین مایع، لفظ درخت را قرار دهیم و برای آن شیء، لفظ آب را؟

شهید صدر و استفاده از روش عقلی در مباحث الفاظ

- به نظر می‌رسد ما اصلاً نمی‌توانیم از برهان در کشف معانی الفاظ استفاده کنیم؛ چون معانی الفاظ اعتباری محض هستند و هیچ ضرورت عقلی ظاهراً وجود ندارد که یک لفظ برای معنای خاصی وضع شود.